

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه

### چرا مشکلات بعد از اصلاح درون برطرف نمی‌شود؟

در جلسه‌ی گذشته، جمله‌ای از کتاب "مصباح‌الهدی" را خواندیم حاوی این مطلب که اگر خواستید کار خیری انجام دهید و مشکل و مانعی بر سر راه پیش آمد که نگذاشت آن کار را انجام دهید، نیت خودتان را بررسی کنید. اگر نیتتان برای خدا خالص باشد، بر عهده‌ی خود خداست که آن مانع را برطرف کند و لازم نیست شما درگیر شوید؛ خود خدا آن را برطرف می‌کند. بعد به همین مناسبت، اشاره کردیم که اساساً مشکلاتی که در زندگی ما پیش می‌آید، سایه‌ی مشکلاتی است که در درون ما پیش آمده است و این فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام را بیان کردیم که: «مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ»<sup>۱</sup>: کسی که بین خود و خدا را اصلاح کند، خدا آنچه بین او و مردم است اصلاح خواهد کرد.

در همین رابطه، عزیزی پرسیدند که گاهی اوقات ما بین خودمان و خدا را اصلاح می‌کنیم؛ اما آن مشکل بر سر جای خود می‌ماند؛ ماجرا چیست؟ البته خود ایشان پاسخی را به زبان آوردند که مرا خوشحال کرد که الحمدلله آنچه در این جلسه راجع به آن با هم صحبت کرده‌ایم، بر دل‌ها باقی مانده است و افراد یاد گرفته‌اند که پاسخ را از درون خودشان پیدا کنند.

پاسخ: مشکلات و بلاهایی که خدا برای مؤمن پیش می‌آورد، متنوعند. یکی از عرفا انواع بلا را به پنج دسته تقسیم کرده است: یک دسته از بلاها، بلاهای عقوبت هستند.

<sup>۱</sup>. شریف‌الرضی، نهج‌البلاغه، حکمت ۸۹ و شیخ حر عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۹۸.

چو بد کردی مشو ایمن ز آفات      که واجب شد طبیعت را مکافات

بد کردی، بد دیدی؛ آزرده، تو را آزرده؛ رنجاندی، تو را رنجاندند؛ ظلم کردی، به تو ظلم کردند؛ دلی شکستی، دلت را شکستند. عقوبت برای غیر مؤمن یا مؤمنین مبتدی است. عقوبت‌ها می‌آید و گناهان را سبک و پاک می‌کند.

دسته‌ی دوم بلا، بلاى اِخْتِيار است. اختبار از خبر می‌آید؛ یعنی خبر پیدا کردن. بلاى اختبار یعنی مشکلی که در زندگی پیش می‌آید و انسان با قرار گرفتن در دل آن مشکل، خودش را می‌شناسد؛ میزان صبر، مقاومت و رضامندی خود را می‌شناسد.

نوع سوم، بلاى اختيار است. گاهی اوقات خدای متعال می‌خواهد کسی را برای مقام و مرتبه‌ی بلندی برگزیند و انتخاب کند. این گزینش و اختیار هم از طریق بلا انجام می‌شود؛ مثل ماجرای حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا»<sup>۲</sup>. این بلاها مقدمه‌ی نیل به مقام امامت بود.

دسته‌ی چهارم، بلاى تَرْفَع است. بلاى تَرْفَع یعنی مشکلاتی که سبب ترفیع درجه‌ی انسان می‌شود؛ انسان را به مقامات و کمالات بلندتر معنوی نائل می‌کند؛ انسان را بزرگتر و عظیم‌تر می‌سازد.

نوع پنجم، بلاى تَحَقُّق است. بلاى تَحَقُّق بلایی است که انسان را متخلِّق به اخلاق الله می‌کند؛ متحقق به حقایق الهی می‌کند؛ او را مَثَل خدا می‌کند؛ او را به مقام ولایت و خلیفه‌اللهی نائل می‌کند؛ دست او را یدالله، زبان او را لسان الله، چشم او را عین الله و گوش او را سمع الله می‌کند. این بلاى تَحَقُّق است که وجود او را از هر چه غیرخدایی است و از ماسوی الله پاک می‌کند و همه‌ی وجودش را خدایی می‌کند.

بنا به تقسیم‌بندی‌یی که آن عارف کرده بود، اشاره‌ای به انواع بلا کردیم؛ در روایات ما هم تقسیم‌بندی‌های متنوعی از بلا شده است. فرموده‌اند: بلا برای ظالم عقوبت و تأدیب، برای مؤمن باعث پاک شدن و برای انبیاء باعث بالا رفتن درجات ایشان است. بنابراین همه‌ی بلاها یک کارکرد واحد

---

<sup>۲</sup>. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۲۴.

ندارد و هر بلایی که می‌آید، تا هدفی که از رهگذر آن بلا مدّ نظر بوده محقق نشود، خدا آن بلا را برطرف نمی‌کند؛ هرزمان که سازندگی مورد نظر ایجاد شد، برطرف می‌شود. یکی از آن سازندگی‌ها این است که وقتی بلا آمد، انسان به این معرفت برسد که این کار را خدا کرد و قطعاً خیر من در این بوده است؛ لذا دیگر بی‌قراری نکند؛ از خودش کلافگی نشان ندهد؛ بی‌صبری نکند؛ به‌راحتی و گوارایی بتواند آن را پذیرا شود.

مثالی را در مصباح‌الهدی خوانده‌ایم که آشپز نخودها را در قابلمه ریخته بود و زیر آن آتش روشن کرده بود. نخودها داغ شده بودند و یکی‌یکی از جای خود می‌پریدند و می‌گفتند: «آی سوختیم! این طرفم سوخت؛ آن طرفم سوخت». نخودپز هم دائم کفگیر می‌زد که همه جای اینها داغ شود. اینها داد و قالشان بلند شد و دائم از جای خود بالا می‌پریدند و می‌گفتند این چه وضعش است. سپس یکی از نخودها گفت: «مثل اینکه گفته‌اند می‌خواهند ما را بو دهند و از ما نخودچی گل درست کنند و به مجلس سلطان ببرند و جلوی سلطان بگذارند و سلطان ما را بخورد». وقتی این را شنیدند، گفتند: «عجب! پس می‌خواهند چنین کاری با ما بکنند! اگر این‌گونه است، پس چه بهتر! ای کاش آتش زیر دیگ را بیشتر کند، کاشکی بیشتر کفگیر بزند». درست همان موقع که این آرزو را کردند، نخودپز فتیله را پایین کشید و چراغ را خاموش کرد و دیگر هم کفگیر نزد؛ چرا؟ چون نخودها پخته و بو داده شده بودند و نخودچی گل شده بودند؛ یعنی قرار بود به همین فهم و دریافت برسند. وقتی پذیرا شدند، زیر دیگ را خاموش کرد.

تا وقتی ما کلافگی نشان می‌دهیم و نمی‌توانیم بلا را تحمل کنیم، بلا باید بماند؛ چون بلا آمده است که ظرف ما را آن‌قدر بزرگ کند که به‌راحتی بتوانیم آن را تحمل کنیم و اگر لحظه‌ای رسید که به‌راحتی توانستیم آن را تحمل شویم، بلا بودن و دردناک بودنش منتفی می‌شود؛ می‌خواهد برود می‌خواهد بماند، چه فرقی می‌کند؟! به این خاطر می‌خواستیم برود که دردمان می‌آمد؛ حالا که دیگر دردمان نمی‌آید، می‌خواهد بماند یا برود چه فرقی می‌کند؟ بنابراین بلا می‌ماند تا ظرف وجودی ما را بزرگ کند تا بتوانیم به‌راحتی آن را تحمل کنیم؛ ظرفیت ما را بالا ببرد؛ لذاست که وقتی شخص به

اینجا رسید، دیگر اصلاً نمی‌خواهد بلا از بین برود. از امام مجتبی علیه السلام در "تحف العقول" روایت شده است که: «مَنْ اتَّكَلَّ عَلَى حُسْنِ الْإِخْتِيَارِ مِنَ اللَّهِ لَهُ لَمْ يَتَمَنَّ أَنْهُ فِي غَيْرِ الْحَالِ الَّتِي اخْتَارَهَا اللَّهُ لَهُ»<sup>۳</sup>: کسی که اعتماد و اتکا کند به حُسن اختیار و انتخابی که خدا برای او می‌کند، یعنی مطمئن باشد خدا زیباترین، مناسب‌ترین، بهترین و مفیدترین چیزها را برای او انتخاب می‌کند، دیگر اصلاً تمنا و آرزو نمی‌کند که حالتی جز همان حالتی که خدا برای او گزیده، برایش پیش بیاید؛ هیچ حال دیگری را آرزو نمی‌کند. وقتی به این ظرفیت رسید، بلا خاصیت خود را بخشیده است. تا وقتی دنبال این هستیم که چه کنیم که این بلا برطرف شود، چرا نمی‌شود؟ من که فرد خوبی شدم، نیتم را خالص کردم، بین خودم و خدا را اصلاح کردم، پس چرا نمی‌رود؟ نشان می‌دهد که هنوز درست نشده‌ای و می‌خواهی برود.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

---

<sup>۳</sup>. ابن شعبه‌ی حرانی، تحف العقول، ص ۲۳۴ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۶.